

# نوروز برای همه مردم جهان است

راشین مختاری

نوروز را تنها ما ایرانیان جشن نمی‌گیریم و ریشه آن در آفریقا و پاکستان و آسیای میانه هم وجود دارد... هر چند ما ایرانیان با جان و دل نوروز را متعلق به خود می‌دانیم و به آن می‌بالیم ولی واقعیت این است که نوروز متعلق به همه مردم جهان است و به همین خاطر هر ساله در لحظه سال تحویل، ناقوسها به صدا در می‌آید و طنین بوق کشتی‌ها در وسعت آبهای آزاد شنیده می‌شود و همه جهانیان باور دارند که در آن لحظه بهار آغاز می‌شود و زندگی گویا رنگ نوبی به خود می‌گیرد و...

## نوروز در قرقیزستان

عید نوروز در قرقیزستان تنها یک روز آن هم در روز اول یا دوم فروردین ماه است که به ۲۹ یا ۳۰ روز بودن اسفند بستگی دارد. اگر اسفند ۲۹ روز باشد اول فروردین و اگر ۳۰ روز باشد در روز دوم فروردین برگزار می‌شود. تا قبل از فروپاشی شوروی سابق این مراسم به دست فراموشی سپرده شده بود ولی پس از فروپاشی دوباره حیات یافت و هر ساله با شکوه‌تر از سال قبل برگزار می‌شود.

## نوروز در پاکستان

در پاکستان نوروز را «عالم‌افروز» یعنی روز تازه رسیده که با ورود خود جهان را روشن و درخشان می‌کند می‌نامند.

در ایام نوروز مردم پاکستان از گفتار نامناسب پرهیز نموده و بناواختن و نوازش یکدیگر و با احترام و اخلاص یکدیگر را نام می‌برند. همچنین سرودن اشعار نوروزی به زبان‌های اردو و دری و عربی در این ایام مرسوم است. پاکستانی‌ها بر این باورند که مقصد نوروز، امیدواری و در امن و صلح و آشتی نگهداشتن جهان اسلام و عالم انسانیت است تا آنجا که آزادی و آزادگی، خوشبختی و کامیابی، محبت و دوستی و برادری و برابری همچون بوی خوش گل‌های بهاری در دل و جای مردمان جایگزین می‌گردد.

## نوروز در زنگبار

در زمان‌های کهن گروه بزرگی از شیرازیان به زنگبار در کرانه‌های شرقی قاره آفریقا کوچیدند و آیین‌های ایرانی مانند نوروز را نیز با خود به همراه بردند. جشن نوروز در زنگبار «نوروزی» نامیده می‌شود و هر ساله برگزار می‌گردد.

## نوروز در مصر

«قیبطیان مصر» نیز جشنی سالانه به نام «نیوز» دارند که به عربی آن «النیروز» می‌گویند. این جشن هر سال در اول پائیز برگزار می‌شود و روز آغاز سال در تقویم قیبطیان است. در مورد سابقه این جشن برخی معتقدند که یادگاری از دوره تسلط هخامنشیان بر مصر است. اگر چه خود قیبطیان آن را مربوط به مصر باستان می‌دانند.

امیدواریم ما هم به بهانه نوروز، رنگ‌های کهنه و غبار گرفته‌را از دلمان پاک کنیم و رنگ نوبی به زندگی مان بدهیم.

عید همگی مبارک



نوشته و تصویب شده بود و برای نوروز گذشته به من پیشنهاد شد و آن زمان معتقد بودم که زمان برای تولید بسیار کم است و به عید نمی‌رسد. از طرفی متن محتاج باز نویسی است و با نقطه‌نظراتی که من داشتم به خصوص در مورد فقر و فاصله طبقاتی فیلمنامه توسط گروه دیگری از نویسندگان تغییر کرد و تزیین این دیدگاهها به سناریو چند ماه طول کشید. **ده‌نمکی اضافه می‌کند:** من می‌خواستم بین اخراجی‌های ۲ و ۳ یک تجربه جدید داشته باشم و بر تجربیاتم بیفزایم. اما زمان کمی در اختیار دارم و باید در عرض ۳ ماه ۶۰۰ دقیقه تصویربرداری کنیم که می‌شود معادل ۷ فیلم سینمایی. ده‌نمکی پر مخاطب بودن تلویزیون را هم یک پوئن بسیار مثبت تلقی می‌کند: یک فیلم سینمایی در سالن‌های سینما در بهترین شرایط ۵۰ میلیون نفر مخاطب دارد و در شرایط بد به چند صد هزار نفر می‌رسد اما در تلویزیون در کمترین حالت ده میلیون نفر کار را می‌بینند. و این می‌تواند تا ۵۰-۴۰ میلیون نفر نیز ارتقا پیدا کند و این وسوسه بر انگیز است که آدم‌ها بیایند و بخوانند حرف‌ها و نظر باتشان را در قالب تلویزیون بزنند. ده‌نمکی در مورد انتخاب بازیگر طبع لطیفش گل می‌کند و می‌گوید: بازیگر مثل گل باغچه می‌ماند، باید جنس جور باشد و هر گل یک بویی دارد و در یک قصه هر قدر این تنوع بنا به فراخور قصه بیشتر باشد در موفقیت کار موثرتر است و تجربه‌ای که داریم آنرا عملی می‌کنیم این است که بازیگران نقش‌های جدی قرار است کار طنز انجام بدهند. از بین چهل بازیگر این مجموعه جز معدودی سایرین تجربه آنچنانی در کار طنز ندارند و این یک تجربه جدید برای آنها خواهد بود.

## پس از ده‌نمکی به سراغ نفیسه روشن می‌روم.

او که در گوشه‌ای محبوبانه نشسته به سوالات من اینگونه پاسخ می‌دهد: نقش من نگار دختری است که دانشجوی عمران است و با خانواده برادرش زندگی می‌کند و شخصیت کنجکاوی دارد.

کم‌کم عوامل سریال برای ضبط سکانس بعدی آماده می‌شوند که از قرار معلوم مربوط به صحنه سفره عقد است. در این میان تنی چند از خانم‌های میانسال که هنوز هستند برای پر کردن صحنه یکی یکی وارد می‌شوند و سر و وضع خود را مرتب می‌کنند. از آنجایی که زمستان است و هوا سرد، و نگارنده هم عادت دارد که زود بخوابد رأس ساعت ۱۹:۳۰ دقیقه با خدا حافظی از عوامل و بالاخص خانم گودرزی که شدیداً هوای همکار سابق خود را داشت، لوکیشن را ترک می‌کنم.

این نقش برای من خیلی هیجان انگیز است و فکر کنم همه را غافلگیر کند. این نقش برخلاف تمام آن چیزی است که همگان تا به حال از من دیده‌اند. من فقط نگران هستم چون یک تجربه جدید است، من قبلاً تجربه کار طنز را داشته‌ام ولی به این شکل به هیچ وجه، عطا یک آدم تازه به دوران رسیده است که به پول و پله‌ای رسیده و می‌خواهد لباسهای اجاق و جق بپوشد. بی سواد است و تمام کلمات را اشتباه می‌گوید و حتی سعی می‌کند از لغات انگلیسی استفاده کند که آنرا تماماً اشتباهی می‌گوید.

از او می‌پرسم آیا الگوی واقعی هم برای این نقش دیده‌اید؟ می‌گوید: بله. خاله خدایبامرز من تمام لغت‌ها را اشتباه می‌گفت، من خودم خیلی‌ها را دیده‌ام که می‌خواهند کلاس بگذرانند و به خیال خودشان انگلیسی حرف بزنند. اما چون بلد نیستند اشتباه می‌گویند. البته چون دارا و نگار یک کار طنز است ما این موضوع را قدری درشت‌نمایی کرده‌ایم.

به رویگری می‌گویم: معمولاً کارهای ده‌نمکی با اعتراض شدید نویسندگان و منتقدان مواجه می‌شود. چه شد که کار او را انتخاب کردید؟ رویگری کمی فکر می‌کند و می‌گوید: به هر حال آقای ده‌نمکی دو کار پر بیننده ساخته بود. من کاری به اعتراضاتی که پیرامون اخراجی‌ها شده بود ندارم ولی کسی نمی‌تواند منکر شود که این دو فیلم جزو پر مخاطب‌ترین کارهای سینمایی بوده است و به شما قول می‌دهم این کار ایشان هم پر بیننده خواهد بود.

**پس از رویگری به سراغ ده‌نمکی می‌روم.** او در خواست گفتگو را می‌پذیرد ولی به علت اینکه جز من سه خیر نگار دیگر هم در صحنه حضور دارند در خواست می‌کند همه در کنار هم بنشینند و یک نیمچه کنفرانس خبری برگزار شود. ده‌نمکی ابتدا با تذکر در گوشی نسبت به درست کردن حجاب یکی از دختر خانم‌های خبرنگار به او تذکر می‌دهد و صحبت‌هایش را شروع می‌کند:

قصه دارا و نگار توسط آقای رضا مقصدی و خشایار الوند



بهرت است و تو تمدن زندگی کنیم تا اینکه تو تمدن بمیریم

دکتر جاسون